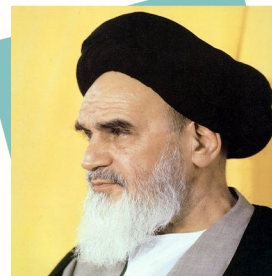


سر منشأ تمام خطاهای انسانی!

بدان که رذیله عجب از حب نفس پیدا شود، چون که انسان مفطور به حب نفس است و سر منشأ تمام خطاهای انسانی و رذایل اخلاقی حب نفس است. و از این جهت است که انسان اعمال کوچک خودش به نظرش بزرگ آید و خود را به واسطه آن از خوبان و خاصان درگاه حق بشمارد، و خود را به واسطه اعمال ناقابل مستحق ثنا و مستوجب مدح داند... نسبت به خلق خدا بدبین است، ولی نسبت به خودش خوش بین. به واسطه این حب نفس با یک عمل کوچک مخلوط به هزار کثافت و مبعذات خود را طلبکار حق تعالی و مستوجب رحمت داند.



[چهل حدیث، نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۸، ص ۶۱]

این عمل او حجابی است در مقابل آتش!



قَالَ رَجُلٌ مِنْ عَرَضَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَدَّ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ عَلَيْهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضٍ أَخِيهِ كَانَ لَهُ حِجَابٌ مِنَ النَّارِ. (روایت از امام علی، ص ۳۳۹)
در مجلس پیغمبر یک نفری متعرض عرض و آبروی یک برادر مؤمنی شد. (حالا این عرض و آبرو می تواند مربوط به مسائل ناموسی او باشد یا نه، مربوط به مسایل شخص او باشد.) آن عده که آنجا نشسته بودند یک نفری حرف او را رد کرد. (پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود) هرکسی که آبروی برادر مؤمنی را حفظ کند در مقابل کسی که متعرض آبروی او شده، این عمل او حجابی است در مقابل آتش، در مقابل دوزخ.
سلسله ارزشهای حاکم بر روابط اجتماعی اینهاست. اینها را باید یاد بگیریم، اینها را باید عمل کنیم. اگر این جور شد، جامعه امن خواهد شد.

[شرح حدیث از امام خامنه ای (مدظله العالی) در مقدمه درس خارج ۱۳۹۶/۱۰/۱۷]

نیروی در برابر گناه!

بوعلی سینا، این فیلسوف بزرگ اسلامی، در پرتو اسلام یک سلسله مسائلی را طرح کرده است که قبل از او هیچ فیلسوف، یونانی و غیر یونانی، طرح نکرده است از جمله... می گوید... برای زندگی اجتماعی ضرورت دارد که بشر خدای خودش را بشناسد و پس از شناسایی متوجه بشود که از جانب آن خدا قانون عادلانه ای برای زندگی بشر وجود دارد و باز واجب و لازم است، عبادت وجود داشت باشد، عبادت هم تکرار بشود تا همیشه انسان یادش باشد که بنده است و خدایی دارد. وقتی که این تذکر و تلقین در روحش وجود داشت جلوی معصیت و گناه او را می گیرد، می خواهد ظلم کند، نماز می آید جلوی چشمش مجسم می شود، می گوید تو که اعلام عبودیت کردی، تو که گفتی من رها نیستم، (پس چرا می خواهی ظلم کنی؟!...) به این جهت عبادت واجب شده است تا در روح انسان چنین نیرویی پیدا بشود که در اثر این نیرو که تجدید عهد با ایمان است دائماً ایمانش تجدید بشود و این ایمان مانع گناه کردن بشود.

[مرتضی مطهری، آرادی معنوی، تهران، صدرا، چاپ سی و هفتم، ۱۳۸۶، ص ۶۷ و ۶۸]

احد که ظاهر شود موحدی باقی نمی گذارد!

نیستی من ز هستی من است، پس هستی من ز نیستی است. یعنی تا وقتی هستی و شئونانی برای خود قائم ارزشی ندارم و چیزی نیستم. اما وقتی هستی و شئونانی برای خود قائل نیستم با ارزشم. عبد هر وقت پیدا شود یک شاهی هم نمی ارزد و وقتی گم شد خیلی ارزشمند است. «لا اله الا الله» همین است. اگر این را یافته ای موحد شده ای. احد که ظاهر شود موحدی باقی نمی گذارد و همه قاطی می شوند. آب همه موحدها را که گرفتند شد «احد». «الْمُؤْمِنُونَ كُنُفُسٌ وَاحِدَةٌ». : مؤمنان مثل یک شخص واحدند... خدا و پیامبر و ائمه علیهم السلام و مؤمنین همه مؤمنند. الْمُؤْمِنُونَ كُنُفُسٌ وَاحِدَةٌ. همه را یکی کرد. این معنی احد در سوره قل هو الله احد است.

[حاج اسماعیل دولابی، مصباح الهدی ص ۲۳]